کلام بعض المحققین در توجیه روایت اختزال السنة

در حدائق عبارتی را از مرحوم فیض برای تعبیر «اختزال» نقل فرمودند. ایشان فرمودند:

> **و كالتعليل باختزال السنة الأيام من السنة فإنه لا يمنع من اتفاق النقصان في شهرين و ثلاثة على التوالي[1]**

مرحوم فیض یکی ایرادی به این صورت بر اختزال داشتند. در جلسه قبل عبارت بحارالانوار را عرض کردم. تا اندازه‌ای که ممکن بود، در این نرم‌افزارهایی که فعلاً در دسترس بود پیدا نکردم که این «بعض المحققین» چه کسی هستند؟ مرحوم علامه مجلسی از ایشان نقل کرده بودند. جلد پنجاه و هفت السلامیه (پنجاه و چهار بیروت)، صفحه دویست و شانزده، فرمودند: **«تبيين: قال بعض المحققين في علة تخصيص السنة أيام بخلق العالم ما حاصله»[2].** این «تبیین» دنباله همین روایاتی است که در مانحن فیه بحث می‌کنیم. آن چه که من عرض کردم تقریباً قدر مسلم و متیقن کار است؛ وآن این است که در این دو روایت عدد، قرینه داخلیه داریم بر اینکه نگاه این روایت به ماه و میقات -«قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ»[3]- یک نگاه عمومی در کل عالم خلقت از اول تا آخر است. این قرینه داخلیه خیلی مهم است در اینکه استظهار و توجه ما از اینکه حضرت می‌فرمایند هر ماه مبارک تام است و شعبان ناقص است، به چه صورت رقم بخورد. آن وقت یک استدلال دیگری هم ضمن این روایت بود. خدای متعال آسمان و زمین را در شش روز خلق فرموده، این شش روز را از ایام سال که سیصد و شصت روز است کم کرده. عرض کردم از روایات خیلی قابل بحث و مبهم است.

مرحوم فیض روایت را رد کرده‌اند، تعلیل آن را تنها به این صورت بیان می‌کنند که ملازمه ندارد. یعنی تعلیل اختزال سنة با قول مشهور که الآن می‌گویند به رؤیت اکتفاء بکنید سازگاری دارد. باز هم سال قمری شش روز کم دارد. منافاتی با آن ندارد. بنابراین معلوم می‌شود که خود اختزال سنة که در این روایت به آن تعلیل شده، مربوط به مقصود حضرت است. و این ارتباط به همین نگاه مربوط است. نگاه کلی؛ کل عالم را در نظر بگیریم که چقدر است.

می‌خواهم چند سطری از عبارات بعض محققین بخوانم. ولی چون مفصل است، خود عبارت ایشان چندین جلسه طول می‌کشد. ما می‌خواهیم در همین یک جلسه خلاصه حرف ایشان را خدمتتان بگوییم. فکر و تحقیق روی آن هم بر عهده خودتان باشد. مرحوم علامه مجلسی در اینجا به «بعض المحققین» تعبیر کرده‌اند. از صفحه دویست و شانزده شروع می‌شود و در صفحه دویست و بیست و دو می‌گویند: «انتهى كلامه رفع الله مقامه ولقد أحسن وأجاد، وحقق وأفاد، في إبداء هذا الوجه الوجيه مع تأييده بما ذكره»[4]، در صفحه دویست و بیست و سه می‌گویند: «لكن فيما زيف به

بعض الوجوه الأخر نظر»[5].

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ناشر : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱۳ صفحه : ۲۷۶

[2] بحار الأنوار - ط دار احیاء التراث ناشر : العلامة المجلسي جلد : ۵۴ صفحه : ۲۱۶

[3] البقره ۱۸۹

[4] بحار الأنوار - ط دار احیاء التراث ناشر : العلامة المجلسي جلد : ۵۴ صفحه : ۲۲۲

[5] همان ۲۲۳

بازبینی #1
ایجاد شده 9 آوریل 2026 13:17:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 آوریل 2026 13:29:28 توسط ... .